

رایرت لوول: شاعر به عنوان منتقد اجتماعی

مازیار اولیایی نیا



ایالتی ماساچوست در شهر بوستون بر پا شده است - خاطره نبرد شجاعانه این هنگ رزمندگان سیاهپوست را گرامی می دارد. در شعر «برای مردۀ اتحاد شمال»، لوول با عرضۀ مجموعه تصاویری از خرابی و زوال بناها و ساختمان‌های معروف شهر بوستون، فرایند مرگ و تلاشی یک نظام ارزشی را مجسم می نماید؛ بناهایی همچون آکواریوم معروف شهر و نیز ساختمان مجلس ایالتی در خطۀ خرابی هستند. فرهنگ مهاجم صنعتی در بی قضای وسیع تر می گردد.

The old South Boston Aquarium stands
in a Sahara of snow now. Its broken windows are boarded.
The bronze weathervane cod has lost half its scales.

در سال ۱۹۶۰، رایرت لوول شهر بوستون را ترک کرد و به نیویورک رفت و در آنجا فعالانه به کار نوشتند شعر و نیز فعالیت‌های سیاسی مشغول شد. وی با رایرت کندی، ڈاکلین کندی و نیز سنتور یوجین مک کارتی دوست شد. مجموعه‌ای از علایق تاریخی و فرهنگی لوول که در شعرش نیز بازتاب یافته است، مایه توجه یافتن وی به موضوعات سیاسی شد. زمانی که لوول در سال ۱۹۶۵، از سوی لیندن جانسون، رئیس جمهور وقت آمریکا برای شرکت در یک جشنواره هنری به کاخ سفید دعوت شد، وی رسماً دعوت را رد کرد تا مخالفت خود را با دخالت آمریکا در ویتنام به اطلاع همه برساند. لوول حتی پا را از این فراتر گذاشت و در اکتبر سال ۱۹۶۷، در راه پیمایی هزاران معارض نسبت به جنگ به سوی پیتاگون شرکت کرد. مجموعه شعر «برای مردۀ اتحاد شمال» (۱۹۶۴) محصول دل مشغولی‌های لوول در نیمه اول دهۀ شصت است. وی شعر «برای مردۀ اتحاد شمال» را - که از اشعار اصلی این مجموعه است - نخستین بار در سال ۱۹۶۰ در جشنواره هنر بوستون قرائت کرد. عنوان این اثر، به شعری از آلن تیت با عنوان «قصیده ای برای مردۀ کنفرانس» باز می گردد. موضوع شعر «برای مردۀ اتحاد شمال» به یکی از قهرمانان جنگ داخلی بنام رایرت گولد شاو مربوط است که خواهرش ژوزفین با یکی از نیاکان لوول بنام چارلز داسل لوول ازدواج کرد. چارلز راسل لوول، خود نیز در جنگ داخلی کشته شد و در این شعر، رایرت لوول سطّری از یکی از نامه‌های چارلز به همسرش ژوزفین را نیز نقل می کند که در آن چارلز رضایت خاطر خود را از اینکه رایرت گولد شاو در کنار سربازان شجاع سیاهپوست خود دفن شده است، ابراز می نماید. رایرت گولد شاو اگرچه می توانست خواستار انتقال جسد خود به زادگاهش شود، اما درخواست کرد که در صورت مرگ، همراه با سربازان هنگ پنجاه و چهارم ماساچوست - که تنها از سربازان سیاهپوست تشکیل شده بود - دفن شود. وی پس از نبود فورت و گذر همراه با سربازانش در یک گور دسته جمعی دفن شد. نقش - برجسته بُرنزی پُرصلاحت رایرت گولدشاؤ سوار بر اسب، در کنار سربازان هنگ پنجاه و چهارم ماساچوست - که در برابر مجلس

ایرلندی های حاکم بر بوستون در دوره معاصر وی، همه ارزش های متعالی گذشته را در منبع ارزش های تجارتی قریانی می کنند؛ برای ساختن یک پارکینگ اتومبیل، همه بناهای تاریخی مورد تهدید قرار گرفته اند و در معرض تخریب هستند.

**Two months after marching through Boston,
half the regiment was dead;
at the dedication
William James` could almost hear the bronze Negroes breathe.**

**Their monument sticks like a fishbone
In the city`s throat.
Its colonel is as lean
as a compass- needle.**

**He has an angry wrenlike vigilance,
a greyhound`s gentle tautness
he seems to wince at pleasure,
and suffocate for privacy.**

**He is out of bounds now. He rejoices in man`s lovely,
peculiar power to choose life and die -
when he leads his black soldiers to death,
he cannot bend his back.**

**On a thousand small town New England greens,
the old white churches hold their air
of sparse, sincere rebellion; frayed flags
quilt the graveyards of the Grand Army of the Republic.**

**The stone statues of the abstract Union Soldier
grow slimmer and younger each year -
wasp-waisted, they doze over muskets
and muse through their sideburns...**

لول شعر خود را جایگزین مجسمه کلتل شاو می کند که اکنون به آن وقعي نمی نهند و حماسه گوشت و خون را دویاره زنده می کند، اگرچه اهمیت مجسمه را به عنوان یک یادگار تاریخی نادیده نمی گیرد

**Shaw`s father wanted no monument
except the ditch,
where his son`s body was thrown
and lost with his «niggers.»
The ditch is nearer.**

The airy tanks are dry.

**Once my nose crawled like a snail on the glass;
my hand tingled
to burst the bubbles
drifting from the noses of the cowed, compliant fish.**

**My hand draws back. I often sigh still
for the dark downward and vegetating kingdom
of the fish and reptile. One morning last March,
I pressed against the new barbed and galvanized
fence on the Boston Common. Behind their cage,
yellow dinosaur steamshovels were grunting
as they cropped up tons of mush and grass
to gouge their underworld garage.**

**Parking spaces luxuriate like civic
sandpiles in the heart of Boston.
A girdle of orange, Puritan-pumpkin colored girders
braces the tingling Statehouse,**

**shaking over the excavations, as it faces colonel Shaw
and his bell-cheeked Negro Infantry
on St. Gaudens` shaking Civil War relief,
propped by a plank splint against the garage`s earthquake.**

از نظر لول، ادبیات، پیش شرطی برای حیات انسانی است و بر ضد آشوب و بی نظمی حاصل از فرآیندهای طبیعی موضع می گیرد. از طریق ادبیات است که اهداف انسانی، امکان حضور می یابند و زمانی که این اهداف و این فضای انسانی مورد تخریب و تعرض قرار گیرد، ادبیات باید به دفاع از ارزش های مدنی پایمال شده قرار دهد. را در موضع سوگواری برای ارزش های مدنی پایمال شده قرار دهد. هر شعر، دفاعی از ادبیات و مجموعه ارزش هایی است که ادبیات، حافظ آن است. با در نظر گرفتن این عملکرد برای شعر، اشعار لول نه تنها این نقش را به عهده می گیرند، بلکه به تأمل و تعمق درباره چنین نقشی می پردازند. بدین ترتیب باید شعر «برای مرده اتحاد شمال» را از چنین دیدگاهی مورد مطالعه قرار داد. شاعر در این شعر، نظم مدنی را مورد تهاجم و تجاوز می بیند و شعر خود را جایگزینی می کند برای نقش - برجسته کلتل شاو که اعتبار مدنی وی دیگر مورد احترام قرار نمی گیرد. اگرچه مرگ کلتل را برتر گولد شاو یک مرگ تراژیک است ولیکن برای رسیدن به هدفی بزرگتر و نیل به یک نظام اجتماعی عادلانه تو صورت گرفته است. از دیدگاه لول،

میل به گریختن از حقایق درد آلود و دوری جستن از آکاهی و مسئولیت تاریخی، در جای جای شعر هویداست. نه تنها مسئولین بوستون که شهر را به وضعیت کنونی اش در آورده اند، به این مشکل دچارند، خود شاعر نیز از این قاعده مستثنی نیست. وقتی وی در جلوی تلویزیون می نشیند و تصاویر بچه مدرسه ای های سیاهپوست را تماشا می کند، به نوعی از تجربه دوران کودکی اش تقليد می کند که صورتش را به شیشه آکواریوم می چسباند و می خواست حباب های هوا را که ماهی های زندانی در فقس های سیاهپوست تولید کرده بودند، با دست بترکاند. بچه های سیاهپوست که صورت هایشان همچون حباب بر صفحه تلویزیون ظاهر می شود، یادآور حباب های دوران کودکی شاعر هستند؛ آنها چون ماهی های آکواریوم با دیواره ای شیشه ای از شاعر جدا شده اند. در فضایی رویا گونه، شخصیت اصلی شعر یعنی کتل شاو نیز سوار بر جایی سعی در گریختن از زندگی زمینی اش دارد که در آن از آزادی راستین بی پره است.

یکی دیگر از اشعار لول که دارای لحن تند انتقاد اجتماعی است و به نحوی رادیکال وضعیت طبقاتی حاکم را زیر سوال می برد، شعر «ستوال پارک» است. «ستوال پارک» فاقد عمق و اهمیت برخی از اشعار معروف لول همچون «خاطرات خیابان غربی و لهکی» و یا «برای مرده اتحاد شمال» است، ولیکن به عنوان شعری که قضاوت اخلاقی لول را صریحأ به تمایش می گذارد، شایسته بررسی است. این شعر با بیان پیداری احساساتی متضاد در روح شاعر، شکل می گیرد. از سویی، یک حسن جنسی مبهم در شاعر پیدار می شود و از سوی دیگر، نوعی افسرده‌گی روحی او را آزار می دهد. وی احساس می کند که مورد سوءاستفاده قرار گرفته و به موجودی مکانیکی تبدیل شده است. احساس یکتواختی و کاهش یافتن زندگی به مجموعه ای از اعمال ساده روزمره، همواره هایه آزار لول بود، اما با افزایش جمعیت شهرها و یکسان شدن ساختار زندگی شهری، چنین حسی به احساس مشترک همه ادم ها تبدیل می شود. بنا به گفته لول «لکه ترس و فقر، در تک تک ذرات خاک نفوذ می کند.» بدین ترتیب، تمنای جسمی برای ارضای جنسی تبدیل به آرزوی غیر قابل حصول آحاد بشر می شود

Scaling small rocks, exhaling smog,
gasping at game-scents like a dog,
now light as pollen, now as white
and winded as grounded kite _

I watched the lovers occupy
every inch of earth and sky:
one figure of geometry,
multiplied to infinity,

به عبارتی، می توان گفت که لول مجسمه را خراب می کند و دوباره همان چاله ای را به رخ خوانده می کشد که کتل شاو و سربازانش به طور دسته جمعی در آن مدفون شدند. این بازگشت تاریخی، فرایند نادیده گرفتن نقش - برجسته شاو و سربازانش را به نحوی ادبی باز سازی می نماید. تعمیق آن چاله تاریخی، اهمیت وجودی مجسمه نادیده انگاشته شده را برجسته تر می سازد و از طرفی دیگر، گودال حاصل از یک قارچ اتمی را به یاد می اورد. تخریب صنعتی مدرن که با یک آگهی تبلیغاتی درباره تخریب اتمی هیروشیما همراه است، وحشت کشtar اتمی و حاکمیت مطلق فرهنگ تجاری بر جامعه را برابر چشم زنده می کند.

*There are no statues for the last war here;
on Boylston Street, a commercial photograph
shows Hiroshima boiling*

*over a Mosler Safe, the «Rock of Ages»
that survived the blast. Space is nearer.*

حسن شوخ طبعی، نقش آزادبخش در این بخش از شعر بازی می کند. نفرت اور می نماید که یک عکس تجاری، تخریب وحشتناک هیروشیما توسط بمب اتمی را دستمایه تبلیغات کند. این عکس تجاری، به گاوصندوق های شرکت مازلر مربوط می شود که حتی پس از انفجار اتمی، در یکی از بانک های هیروشیما سالم ماند (نشانه ای از قابل اطمینان بودن محصولات این شرکت). خواننده بی اختیار به خنده می افتد، وقتی می بیند که قوه تخیل تجاری چگونه می خواهد از یکی از وحشت اورترین صحنه های تاریخ بشریت به منظور سودجویی استفاده کند. این کنایه در عین حال اهمیتی استعاری بازی می کند؛ حسن سودجویی تجاری حتی به بهای از دست رفتن جان انسان ها به بقای خود ادامه می دهد.

شعر «برای مرده اتحاد شمال» سرانجام چنین به پایان می رسد:

*When I crouch to my television set,
the drained faces of Negro school-children rise like balloons.
Colonel Shaw
is riding on his bubble,
he waits
for the blessed break.*

*The Aquarium is gone. Everywhere,
giant finned cars nose forward like fish;
a savage servility
slides by on grease.*

اگرچه لوول امیدی به انقلاب ندارد، بخشی از تلغیت ترین انتقادات خود را نثار نظام صدقات اجتماعی می کند که از نظر او وسیله ای برای خلاص شدن از شر فقرا و محرومین است. لوول آن را به غذایی نامطلوب تشییه می کند که چنان در محفظه ای سریسته و محافظت شده از آن نگهداری می کنند که هیچ حیوانی نمی تواند به آن دسترسی پیدا کند.

در بند بعدی شعر، لوول به واژه های shadow و stain باز می گردد



Augustus Saint-Gaudens's Robert Gould Shaw Memorial

که اکنون معنای خاصی دارند و به فرهنگی که به تحفیر سیاهان من پردازد، مربوط می شود. منظرة بادکنکی که در هنگام صعود و جذب شدن به سوی ماه (استعاره ای جنسی) در یک درخت نارون کیم افتاده است و نیز بادکنکی که هنگام شفق در حول و حوش «سوزن کلثوباترا» (یک ستون هیروگلیف از دوره مصر باستان که در محوله ستراپ پارک نیویورک برپاست) در حال جولان است، پیش زمینه ای است برای حضور شب. در تاویکروشنای قبیل از نزول کامل شب، می توان انعکاس تمایلات معصومانه جنسی شاعر را دید که به دنبال راه خروج می گردد.

shadows had stained the afternoon;
high in an elm, a snagged balloon
wooed the attraction of the moon.
Scurrying from the mouth of night,
a single, fluttery, paper kite
grazed Cleopatra's Needle, and salled
where the light of the sun had failed.

اما «شب» زمانی برای انتقام است. نه تنها سیاههستان یا غی و تبهکاران، از شب برای انتقام جویی استفاده می کنند، بلکه شب زمانی

straps down, and sunning openly...
each precious, public, public tangle
an equilateral triangle,
lost in the park, half covered by
the shade of some low stone or tree.
The stain of fear and poverty
spread through each trapped anatomy,
and darkened every mote of dust.
All wished to leave this dying crust,

bore on the delicate wings of lust
like bees, and cast their fertile drop
into the overwhelming cup.

سطرهای فوق درباره تمایل به فرار از واقعیت روزمره با استفاده از نشنه جنسی، شاعر را به تصویر شیری در باغ وحش راهبر می شود. این بند شعر به وضوح وضعیت اجتماعی فقیران و توده سیاههستان را یادآور می شود که به دلیل شرایط اولیه زندگی خود، با نوعی غریزه حیوانی دست به گریبان هستند و با آنان همچون تبهکارانی وقتار می شود که باید در مناطق حفاظت شده تحت مراقبت باشند. این تصاویر، القا کننده ساختاری اجتماعی هستند که در آن فرد با پناه بردن به غریزه خشونت و ارضای جنسی، خویشتن را تعریف می کند.

Drugged and humbled by the smell
of zoo- straw mixed with animal,
the lion prowled his slummy cell,
serving his life-term in jail –
glaring, grinding, on his heel,
with tingling step and testicle...

اما اگر شیر مظہر قدرت سیاهان باشد، بنی تردید نمادی بدینانه است، زیرا که به زنجیر کشیده شده است و انزوی اش قابل آزاد شدن نیست. از طرف دیگر، تصویر بعدی در شعر، تصویر قریانیان بی یار و یاور است.

Behind a dripping rock, I found
a one-day kitten on the ground –
deprived, weak, ignorant and blind,
squeaking, tubular, left behind –
dying with its deserter's rich
Welfare lying out of reach:
milk cartons, kidney heaped to spill,
two plates sheathed with silver foil.

همسر و دخترش را شامل می شود با عنوان «برای لیزی و هریت» و اشعاری که به موضوعات عمومی تر مربوط می شدند با عنوان «تاریخ» انتشار یافتند. در این اشعار، بار دیگر می توان لولو را دید که بین حوادث روزمره زندگی شخص (که جنبه اتفاقی و تصادفی دارند) و یک طرح حماسی کلی ارتباط ایجاد می کند. به طور همزمان، لولو مجموعه ای از سوت ها را با عنوان «دلفین» در سال ۱۹۷۳ منتشر کرد که ازدواج وی با کروولاین بلک وود را ثبت می نمود. لولو در این زمان اوقات خود را بین زندگی با کروولاین در انگلستان و دوره های تدریس ادبیات در هاروارد تقسیم کرده بود و بدین ترتیب همچنان تنش میان فرهنگ بومی نیوانگلند و فرهنگ های دیگر را تجربه می کرد. اخرين کتاب لولو با عنوان «روز به روز» (۱۹۷۷)، این درگیری های روزمره و نیز مشکلات زندگی خانوادگی او را به نمایش می گذارد و در عین حال تعدادی از مهم ترین اشعار لولو درباره کودکی اش را در بر می گیرد.

علایق ادبی لولو گسترشده بود و وی به تناتر دلستگی خاصی داشت؛ از جمله «پرومته در زنجیر» و شکل نمایشی آثاری از ملویل و هاوثورن را به رشتة تحریر در آورد. وی همچنین بسیاری از اشعار مدرن و کلاسیک اروپایی را ترجمه نمود. این ترجمه های آزاد مجموعه ای با ارزش از ذخایر ادبیات اروپایی را به گنجینه ادبیات انگلیسی افزود. «برگزیده اشعار» لولو به انتخاب خود وی در سال ۱۹۷۶ به چاپ رسید. وقتی لولو در سال ۱۹۷۷ یعنی زمانی که تنها شصت سال داشت، چشم از جهان فرو بست، یکی از مطرح ترین شعرای نسل خود به شمار می رفت. ده جلد کتاب شعر لولو، به همراه فعالیت چشمگیر او در صحنه سیاسی و اجتماعی، چهره ای سرسناک از وی ساخته بود و در زمان مرگش، من شد اورا شناخته شده ترین شاعر امریکایی نامید که در صورت لزوم از پای گذاشتن به صحنه فعالیت سیاسی و ابراز مخالفت با سیاست های حاکم ابایی نداشت.

منابع:

- 1- Mariani, Paul L .Lost puritan: a life of Robert Lowell. NY: W.W. Norton, ۱۹۹۶, ۱۹۹۷.
- ۲- Tillinghaes, Richard. Robert Lowell's life and Work: damaged grandeur. Ann Arbor: University of Michigan Press, ۱۹۹۰.

فهرست نام ها به ترتیب ظاهر شدن در متن:

- 1- Robert Lowell ۲- Eugene McCarthy ۳- For the Union Dead
- ۴- Ode to the Confederate Dead ۵- Robert Gould Shaw
- ۶- Charles Russell Lowell ۷- Fort Wagner ۸- Central Park
- ۹- Memories of West Street and Lepke ۱۰- Notebook ۱۱- ۱۹۶۷- ۱۹۶۸
- ۱۱-For Lizzie and Harriet ۱۲- History ۱۳- Dolphin
- ۱۴- Caroline Blackwood ۱۵- Day by Day ۱۶- Prometheus Bound
- ۱۷- Melville ۱۸- Hawthorne ۱۹- Selected Poems

برای سروریز تمام عقده های فرو خورده است. لولو به روانشناسی طبقه ستمگر در زمانی که آنها موجودیت خویش را در خطر می بینند، می پردازد. اینهازهای مربوط به مصر باستان در توصیف جامعه ای که در آن تضادی ژرف میان غنی و فقیر وجود دارد، به جا به نظر می رسد. از نظر لولو، طبقه حاکم، متشکل از مردماتی است که فاقد حیات واقعی هستند و سعی می کنند زندگی فاقد سرزنشگی خویش را با گردآوری کلکسیون های هنری و تفریحات سادیستی پُر کنند.

Then night, the night - Oh jungle hour,
the rich in his silt - windowed tower...
Oh pharaohs starving in your foxholes,
with painted banquets on the walls,
fists knotted in your captives' hair,
tyrants with little food to spare -
all your embalming left you mortal,
glazed, black, and hideously eternal,
all your plunder and gold leaf
only served to draw the thief...

لولو معتقد بود که فن اوری مدرن، نوعی تعالی کاذب و تصور خلط فناپذیری را به انسان القا می نماید. انسان مدرن خود را با ساختارهای عظیم فلزی و سنگی یکی فرض کرده و احساس فناپذیری و جاودانگی می کند، لیکن حسن واپس خورده مرگ پس از چندی به سوی انسان باز می گردد و به شکل احساس خلا درونی و مرگ در ذات زندگی، مایه افسردگی وی می شود. در این شعر، بازگشت حسن مرگ، دو جنبه خودکشی و دیگرکشی دارد. ترس از خشونت در نزد طبقات مرغه که خود را آسیب پذیر می بینند، منجر به واکنش متقابل می شود. این ترس، چه از حسن گناه ناشی شود و چه آنکه به یک تمنای رازآلود درونی باز گردد، به بالا گرفتن ترس و خشونت طلبی منجر می شود.

We bag delinquents for our life.
Behind each bush, perhaps a knife;
each landscaped crag, each flowering
shrub,
hides a policeman with a club.

اما شعر «ستراول پارک» را نمی توان یک شعر القلابی نامید زیرا که یک قیام موفقیت امیز در چهارچوبی واقع گرایانه را پیشنهاد نمی کند؛ در عوض، شاعر بالا گرفتن خشونت و آزاد سازی تمامی نیروهای مخرب در ذات انسان را در تخیل خود بازسازی می نماید. در سال ۱۹۶۹، لولو «دفترچه ۱۹۶۷-۶۸» را منتشر کرد که بعدها چندین بار توسط وی مورد جرح و تعدیل قرار گرفت. اشعار شخصی تر این مجموعه که فروریزی دومین ازدواج لولو و جدایی او از